

پاندمی کرونا: ارزیابی سه ساله

نازنین و یامین

به مناسبت ۱۱ مارس روز اعلام پاندمی کرونا
توسط سازمان بهداشت جهانی



معرفی

در ۲۹ دسامبر ۲۰۱۹ (۸ دی ۱۳۹۸)، در شهر ۱۱ میلیونی وُهان، در استان هوبی چین^۱ ویروس جدیدی شایع شد که به‌خاطر به‌جا گذاشتن عوارض تنفسی شدید و کشنده، «سازر کووی-۲» و بیماری ناشی از آن «کووید-۱۹» نام گرفت.^۲ سه ماه بعد، در نوشتاری تحت عنوان «[ویروس کرونا، سرمایه و سیاست](#)» ضمن معرفی این بیماری، عوارض و تبعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن مورد بحث قرار گرفتند. حدود دو ماه بعدتر – یعنی زمانی که تعداد مبتلایان به ۴ میلیون و تعداد جان‌باختگان جهانی کووید-۱۹ به ۱۱۱ هزار نفر رسیده بود، در مقاله‌ای تحت عنوان «[بحران کرونایی، خصوصی‌سازی سود، اجتماعی کردن زیان!](#)» به افشای شایعات رسانه‌ای، و روشنگری درباره‌ی دروغ‌گویی‌ها، ریاکاری‌ها و لاپوشانی‌های دولت‌مردان، سیاست‌مداران، انحصارات دارویی و متخصصان وابسته پرداخته شد. در «[پاندمی کرونایی: ارزیابی یک‌ساله!](#)» نشان داده شد که بحران به‌اصطلاح کرونایی، بهترین فرصت را در اختیار دولت‌ها گذاشت تا ضمن رفع و رجوع معضلات گریبانگیرشان، به بازآرایی نیروهای سرکوبگر بپردازند و بر منافع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی طبقات حاکم بیفزایند. نوشتار حاضر ارزیابی به‌روزشده‌تری است که در پایان سومین سال شیوع کووید-۱۹، در ادامه‌ی مطالب پیشین منتشر می‌شود.

مقدمه

سومین سال پاندمی کرونایی را با بیش از ۷۵۵ میلیون مورد تأییدشده‌ی کرونا و بیش از ۶/۸ میلیون مورد مرگ در جهان پشت‌سر گذاشتیم.^۳ البته خوانندگان این سطور واقفند که آمار واقعی به‌مراتب بیشتر از ارقام رسمی هستند. حتی نهادهای ذی‌صلاح بین‌المللی نیز بر این نظرند که تعداد واقعی کشته‌شدگان حدود سه برابر آمار

^۱ Chinese Wuhan, Hubei-provinsen

^۲ Severe Acute Respiratory Syndrome-Corona Virus-۲ (SARS-CoV-۲)

^۳ به نقل از صفحه اینترنتی [سازمان بهداشت جهانی](#).

رسمی است.^۴ این به آن معنی است که پاندمی کرونایی در طول سه سال گذشته، با بیست میلیون قربانی، به اندازه‌ی چهار سالی که جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) جریان داشت، کشته به جا گذاشته است. اما جنگ جهانی اول — علی‌رغم همه‌ی تلفات جانی و ویرانی‌های که به جا گذاشت — نقش برجسته‌ای در تاریخ بشر ایفا کرد؛ از جمله با حذف دودمان‌های هابسبورگ-لورن در اتریش، هوهن تسولرن در آلمان، آل عثمان در امپراتوری عثمانی و رومانوف در روسیه، سیمای جغرافیای سیاسی جهان را تغییر داد و زمینه را برای رشد نازیسم و جنگ جهانی دوم فراهم ساخت و نیز زمینه ساز انقلاب روسیه شد. آیا می‌توان تبعات و پیامدهای هم‌سنگی برای پاندمی کرونایی انتظار داشت؟ برخلاف تصور خیلی‌ها، پاندمی کرونایی نه تنها پایان نیافته بلکه انتشار سویه‌ها و زیرسویه‌های جدید آن، خطر شیوع یک پاندمی جدید را دائماً به جهانیان گوشزد می‌کند. آمار مبتلایان در مناطق مختلف جهان تقریباً به‌طور هفتگی در حال افت و خیز است. چین که با قوانین سخت‌گیرانه‌ی قرنطینه موفق شده بود تعداد مبتلایان و کشته‌شدگان را به‌طرز چشم‌گیری کاهش دهد، بار دیگر در اوایل سال جدید، شاهد شیوع دوباره‌ی بیماری کووید-۱۹ بود که به مرگ حدود شصت‌هزار نفر انجامید.^۵ سخنگوی وزارت بهداشت جمهوری اسلامی نیز در ۷ دی‌ماه ۱۴۰۱ خبر از ابتلا به دو زیرسویه‌ی جدید آمیکرون (XBB و BQ.۱) داد که احتمال وقوع موج هشتم کرونا را بالا می‌برد.^۶ روند مشابهی را در ماه‌ها و هفته‌های گذشته، به‌تناوب در ایالات متحده، بریتانیا، ژاپن، برزیل و سایر نقاط جهان شاهد بودیم.^۷

^۴ [The WHO estimates of excess mortality associated with the COVID-19 pandemic](#). گزارش بی.بی.سی (۵ مه ۲۰۲۲) نیز گویای همین واقعیت است: [آمار واقعی مرگ](#)

[ناشی از کرونا](#)

^۵ [اوج‌گیری دوباره کرونا در چین... و موارد مرگ ناشی از کرونا... دو گزارش از VOA](#)، دوشنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۱.

^۶ [مشاهده زیرسویه‌های جدید آمیکرون در ایران](#)، ویناپرس ۸ دی ۱۴۰۱. شناسایی ۱۱۴ بیمار جدید کرونا در کشور / [تن دیگر جان باختند](#)، به نقل از روزپلاس، ۲۱ بهمن ۱۴۰۱

^۷ به گزارش راب والاس در سی.دی.سی مردمی (۱۷ ژانویه ۲۰۲۳) گوش کنید.

با این حال بعضی از سیاست‌مداران، از جمله جو بایدن^۸ بی‌توجه به توصیه‌های سازمان بهداشت جهانی و نهادهای ذی‌ربط، پایان پاندمی کرونایی را اعلام داشتند و ورود به دوره‌ی پساکرونایی را (از ۱۱ ماه مه ۲۰۲۳) نوید دادند که معنایش قطع کلیه‌ی کمک‌های بهداشتی-درمانی است که در دوره‌ی پاندمی کرونایی شامل حال شهروندان می‌شد.^۹ آن هم در حالی که در طی سه سال متوالی، بیماری کووید-۱۹ به‌عنوان عامل اصلی مرگ شهروندان در ایالات متحده بوده است.^{۱۰} این به معنای خیانت دولت‌های به‌اصطلاح «مترقی، دموکرات و منتخب» به توده‌ها (به‌ویژه سالمندان)^{۱۱} و بی‌دفاع گذاشتن آنان در برابر هیولایی است که عوارض حملات مرگبارش را – با گرفتن جان بیش از ۲۰ میلیون انسان – ثبت کرده‌ایم.

از مارس ۲۰۲۲، به بهانه‌ی شروع جنگ اوکراین، امریکا و خیلی از کشورهای اروپایی – و به تبع آنها کشورهای دیگر جهان – از ادامه‌ی گزارش تعداد مبتلایان و کشته‌شدگان کرونا به نهادهای بین‌المللی خودداری کرده‌اند. این امر سبب شده تا یکی از مراکز اطلاع‌رسانی موثق، یعنی سایت جانز هاپکینز که در ۳ مارس ۲۰۲۰ توسط لورن گاردنر^{۱۲} راه‌اندازی شده بود، از ادامه‌ی فعالیت بازماند.^{۱۳}

^۸ [Biden to end Covid health emergency declarations in May](#)، به قلم

ADAM CANCRYN انتشار در Politico (۰۱/۳۰/۲۰۲۳)

^۹ [These benefits will disappear...](#) به نقل از سی.ان.سی.ان سیاسی ۳۱ ژانویه ۲۰۲۳.

^{۱۰} Jared Ortaliza , Krutika Amin and Cynthia Cox, [COVID-۱۹ leading cause of death ranking](#)

^{۱۱} بنا به آمارهای رسمی، اکثر جان‌باختگان پاندمی کرونایی سالمندان بودند. این واقعیت افشاگر بی‌توجهی جدی دولتمردان به حیات این افراد بود. این سیاست که اصطلاحاً مالتوس‌گرایی (Malthusianism) اشاره به نظریه‌ی توماس مالتوس در کتاب اصل جمعیت خوانده می‌شود، سیاست رسمی الیگارش‌ی مالی است که به موجب آن افراد بیرون از زنجیره‌ی تولید و سودزایی، جمعیت مازاد به حساب می‌آیند و جان‌شان بی‌ارزش است. در نوشتارهای پیشین به نقد این سیاست پرداختیم.

^{۱۲} Lauren Gardner Prfessor in [Johns Hopkins](#)

^{۱۳} [JOHNS HOPKINS WINDS DOWN PIONEERING PANDEMIC DATA TRACKING](#)

اما چرا در چنین شرایطی کاپیتالیست‌ها و نمایندگان دولتی‌شان پایان دوره‌ی پساکروناپی را اعلام کردند؟
 بی‌گمان بهترین پاسخ را می‌توان از خلال مباحثات آنان در مجمع سالانه‌شان — در طول سه سال گذشته — دریافت! به‌ویژه آنکه این مجمع بانی تأسیس «ائتلاف برای آمادگی خلاق علیه پاندمی»^{۱۴} بود.

پاندمی کرونایی در اجلاس W.E.F

اجلاس سالانه‌ی «مجمع جهانی اقتصاد (دابلینو. ای. اف)»^{۱۵} معروف به اجلاس داووس، همه‌ساله در ماه ژانویه در داووس سوئیس برگزار می‌شود. این اجلاس یکی از مهم‌ترین مراکز مشاوره‌ی قدرتهای بزرگ اقتصادی و محل تصمیم‌گیری دولت‌ها و نهادهای سیاسی است.

شیوع جهانی کووید-۱۹ مانع شد تا اجلاس سالانه‌ی مجمع جهانی اقتصاد در ژانویه‌ی ۲۰۲۰ برگزار شود. از این‌رو کلاوس شواب با انتشار مقاله‌ای با عنوان «کاپیتالیسم برای بقایش باید رفرم کند»^{۱۶} و کتابی با نام «کووید-۱۹، بازتنظیم

(CEPI)^{۱۴} The Coalition for Epidemic Preparedness Innovations این سازمان در سال ۲۰۱۶ در داووس به همت «مجمع جهانی اقتصاد تشکیل شد. در نوشتار قبلی به این نکته پرداخته شده است.

(WEF) [World Economic Forum](#) ^{۱۵} یا اجلاس داووس (Davos Summit) توسط اقتصاددان آلمانی کلاوس شواب (Klaus Schwab) در داووس سوئیس راه‌اندازی شد تا محلی برای تبادل نظر اقتصاددانان، رهبران سیاسی، کاپیتالیست‌ها و آکادمیسین‌های بورژوا حول مسایل روز جهان باشد. تاریخچه‌ی تشکیل این مجمع به سال ۱۹۷۴ برمی‌گردد که شواب از سیاستمداران دعوت کرد تا در اجلاس مدیران و کارفرمایان شرکت کنند. آنچه که امروزه تحت عنوان مجمع جهانی اقتصاد فعالیت می‌کند، از سال ۱۹۸۷ آغاز به کار کرد.

^{۱۶} Klaus Schwab, '[Capitalism Must Reform to Survive](#)', Foreign Affairs, ۱۶ January ۲۰۲۰.

بزرگ»^{۱۷} طرح جدیدی ارائه داد که به «مانیفستِ نظمِ نوین جهانی» برای دوره‌ی پساکووید معروف شد.

در کتاب یادشده، کلاوس شواب، بنیان‌گذار و دبیر مجمع جهانی اقتصاد – به همراه تیه‌ری مالرو – نتایج و عوارض کووید-۱۹ را در پنج عرصه‌ی اقتصادی، اجتماعی، ژئوپلیتیکی، زیست‌محیطی، و فناوری مورد ارزیابی قرار داد و نتیجه گرفت که کووید-۱۹ به دلیل تأثیرات عمیقی که بر پنج عرصه‌ی یادشده گذاشته و تأثراتی که از آن‌ها پذیرفته، به چنان معضل چندوجهی و پیچیده‌ای بدل شده که با پاندمی‌های پیشین قابل‌مقایسه نیست. برای مثال، در عرصه‌ی اقتصادی، بر نابرابری در درآمد، ثروت و شکاف طبقاتی افزوده، و در عرصه‌ی اجتماعی، مانع از برخورداری شهروندان از فرصت‌های برابر شغلی، تحصیلی، بهداشتی و اجتماعی شده است. با این‌همه، به نظر نویسندگان، پاندمی کرونایی نکات مثبتی نیز به همراه داشته که نمونه‌اش تغییر نگرش انسان به طبیعت است. جهانیان دریافتند که تخریب جنگل‌ها و تغذیه از حیوانات وحشی می‌تواند حیات و سلامت جامعه‌ی انسانی را با خطر جدی روبرو سازد. به‌علاوه – به ادعای نویسندگان – کارآمدی دوردرمانی، دورکاری و استفاده از تجهیزات دیجیتالی، چشم‌اندازهای نوینی را به روی بشریت گشودند که قرار است در دوره‌ی پساکرونایی مورد استفاده قرار گیرند. ضمناً – به باور نویسندگان – پاندمی کرونایی نشان داد که دولت و رهبران سیاسی نقش پررنگی در اتخاذ تصمیمات سریع و حیاتی در مواجهه با معضلات اجتماعی مثل پاندمی داشته و دارند.

براساس این استنتاجات محوری، بینان‌گذار «مجمع جهانی اقتصاد» و شریکش نتیجه می‌گیرند که بدون فهم و درک تأثیر و تأثرات متقابل پدیده‌ها و روابط به‌هم‌تنیده و پیچیده‌ای که در دل عرصه‌های پنج‌گانه‌ی دوره‌ی کرونایی شکل گرفته و می‌گیرند، نمی‌توان استراتژی دوره‌ی پساکرونایی را ترسیم کرد:

^{۱۷} Klaus Schwab & Thierry Malleret, [Covid-۱۹: The Great Reset](#),

۲۰۲۰ این کتاب با عنوان «بازتنظیم بزرگ» توسط علی‌رضا حسنی به فارسی ترجمه شده و توسط فرهنگ نشر نو انتشار یافته است.

«وابستگی متقابل [عرصه‌های اجتماعی] اثر مفهومی مهمی دارد که همانا ابطال «تفکر سیلویی»^{۱۸} است. از آن جایی که در نهایت، ادغام و پیوند سیستماتیک [عرصه‌ها] مهم هستند، پرداختن به یک مشکل یا یک ریسک [مسئله‌ی خطرزا]، به‌طور مستقل از سایر عوامل، بی‌معنا و بیهوده است. در گذشته، «تفکر سیلویی» تا حدی توضیح می‌داد که چرا بسیاری از اقتصاددانان نتوانستند بحران اعتباری (در سال ۲۰۰۸) را پیش‌بینی کنند و چرا شمار معدودی از متفکران سیاسی متوجه‌ی فرارسیدن بهار عربی (در سال ۲۰۱۱) شدند. امروزه با همان مشکل در زمینه‌ی پاندمی روبرویم. اپیدمیولوژیست‌ها، کارشناسان سلامت همگانی، اقتصاددانان، پژوهشگران مسائل اجتماعی، و سایر دانشمندان و متخصصانی که کسب‌وکارشان کمک به تصمیم‌گیرندگان برای درک رخدادهای پیش‌روست، فرارفتن از محدوده‌ی حوزه‌ی [تخصصی] خود را دشوار (و گاهی غیرممکن) می‌یابند. به همین دلیل است که موقعیت‌سنجی‌های پیچیده مثل [تصمیم‌گیری بر سر انتخاب میان] مهار گسترش پاندمی یا بازیابی اقتصاد، شدیداً دشوار می‌شود. از این‌رو قابل درک است که چرا اکثر متخصصان، به حوزه‌های [تخصصی] هرچه محدودتری هدایت می‌شوند. از همین روست که آن‌ها فاقد آن دید بسیطی هستند که برای اتصال نقاط مختلف و فراوان، به‌منظور یافتن یک تصویر کامل‌تر [از مشکل] لازم است؛ تصویری که تصمیم‌گیرندگان شدیداً بدان نیازمندند.»^{۱۹}

به عبارت دقیق‌تر، بنیان‌گذار و سخنگوی یکی از مهم‌ترین نهادهای بورژوازی، در ارزیابی یک‌ساله‌اش از بحران کرونایی، بر ضرورت دوری‌جستن از تفکر سیلویی، و توسعه‌ی همکاری‌های بیشتر نهادها و متخصصان بورژوازی، به‌منظور تسهیل

Silo Thinking^{۱۸} نگرشی است که مانع می‌شود که بخش‌ها یا تیم‌های درون یک سازمان یا نهاد اجتماعی، دانش و تجربه خود را به اشتراک بگذارند و با یکدیگر همکاری کنند.

^{۱۹} Klaus Schwab & Thierry Malleret, [Covid-۱۹: The Great Reset](#), ۲۰۲۰,

تصمیم‌گیری برای تصمیم‌گیرندگان و کاپیتالیست‌ها تأکید ورزید. به‌علاوه رهنمودهای دقیق و کارآمدی برای هرچه یک پارچه‌تر کردن طبقه بورژوا، برای هرچه سودآورتر کردن جهان پساکوویدی داد!

پنجاه‌ویکمین اجلاس سال ۲۰۲۱ داووس به‌خاطر ادامه‌ی شیوع پاندمی کرونایی به‌صورت مجازی در روزهای ۲۵ تا ۲۹ ژانویه، با حضور کاپیتالیست‌ها و نمایندگان دولتی، غیردولتی و دانشگاهی‌شان برگزار شد. تمرکز این اجلاس بر «تقویت جهانی روی تقویت هوشمندی» یا گایا (GAIA)^{۲۰} بود که بنا به برآورد این مجمع قادر خواهد بود تا سال ۲۰۳۵، بارآوری کار را تا ۴۰٪ بیشتر کند و معادل ۱۴ تریلیون دلار ثروت جدید بیافریند. به ادعای کلاوس شواب، سیستم گایا که بر بهره‌گیری از هوش مصنوعی استوار است، فوریت و ضرورتش را در دوره‌ی پاندمی به اثبات رساند و از این‌رو توسط مجمع و شرکای آن راه‌اندازی شد.

برگزاری اجلاس ۲۰۲۲ بار دیگر به‌دلیل شیوع پاندمی کرونا، دو بار به تعویق افتاد و نهایتاً در ماه مه برگزار شد. حضور مجازی زلینسکی و عدم حضور رهبران روسیه و چین، نشان داد که تمرکز مباحثات بر جنگ اوکراین است؛ هرچند که پاندمی کرونایی در مباحثات جای ویژه‌ی خود را داشت.

در پنجاه‌وسومین اجلاس داووس (۲۰۲۳)، اگرچه جنگ اوکراین هنوز موضوع اصلی مباحثات بود اما در سخنرانی افتتاحیه‌ی کلاوس شواب، از سه چالش جهانی دیگر نیز یاد شد که عبارت بودند از پاندمی کرونایی، بحران اقلیمی—زیست‌محیطی و بحران گرسنگی. با این حال محور گفت‌وگوها بر سر متقاعد کردن آنانی بود که شیوع کرونا و جنگ اوکراین را سرآغازی بر پایان دوره‌ی گلوبالیزاسیون تصور می‌کردند. عدم حضور روسیه (به‌دلیل اخراج آن) و چین در اجلاس امسال این برداشت را تقویت کرد که امید به جهانی شدن واهی است و این نهاد بیش از آن که یک مجمع اقتصادی جهانی باشد، یک انستیتوی غربی است!

در حاشیه‌ی برگزاری اجلاس داووس، آکسفام گزارش روشنگرانه‌ای از رشد نابرابری و بی‌عدالتی در جهان منتشر کرد که خواندنی است.^{۲۱} کاپیتالیست‌های جهان (معروف به یک‌درصدی‌ها)، تقریباً دو سوم از کل ثروت تولید شده در سه سال گذشته را — که از آن به دوره‌ی پاندمی کرونا یاد می‌شود — و معادل ۴۲ تریلیون دلار بوده، از آن خود کردند. این رقم تقریباً بیش از دو برابر مبلغی است که ۹۹٪ مردم جهان در همین مدت به‌دست آورده‌اند. به عبارت دیگر، در دوره‌ی پاندمی کرونا، کاپیتالیست‌های جهان ۴۲٪ ثروتمندتر شدند! و رقمی معادل ۱۳٪ تولید ناخالص ملی کل جهان در همین دوره را به خود اختصاص دادند! یعنی در طول سه سالی که به اصطلاح بحران پاندمی کرونایی جریان داشته، به‌طور میانگین، کاپیتالیست‌ها روزانه حدود ۲.۷ میلیارد دلار به ثروت خود افزودند. در همین دوره ۵۷۰ نفر به تعداد میلیاردرهای جهان افزوده شد و تعدادشان به ۲۶۶۸ نفر رسید؛ آن‌هم با مجموع ثروتی بالغ بر ۱۳ هزار میلیارد دلار! این در حالیست که در همین ایام، ۲۶۰ میلیون نفر به رقم گرسنگان جهان افزوده شده و رقم گرسنگان جهان به حدود ۸۲۸ میلیون نفر — یعنی معادل یک دهم جمعیت جهان — رسیده و هر ۱۱ دقیقه یک نفر بر اثر گرسنگی جان باخته است.

در همین ایام شرکت‌هایی که دست‌اندرکار تولید واکسن علیه سارس‌کوی-۲ بودند، ثانیه‌ای هزار دلار سود کرده و برای هر واکسن ۲۴ برابر هزینه‌ی تولید واکسن، از دولت‌ها پول مطالبه کردند.

به این ترتیب، شرکت‌های بزرگ و کاپیتالیست‌ها نه‌تنها از پاندمی کرونا متضرر نشدند بلکه بیشترین منفعت را بردند!

این روند در آلمان چهره‌ی به‌مراتب عریان‌تری داشت زیرا در آن جا ۸۱٪ از کل ثروت تولید شده در این دوره، به جیب یک درصد از کاپیتالیست‌ها سرازیر شد!^{۲۲}

^{۲۱} [Oxfam](#) در سال ۱۹۴۲ در دانشگاه آکسفورد، توسط فعالان اجتماعی و دانشگاهیان آکسفورد، به‌منظور مبارزه با قحطی تأسیس شد. گزارش امسال این مؤسسه که همزمان با برگزاری اجلاس داووس منتشر شد عنوان “[Survival of the Richest](#)” را بر خود دارد.

^{۲۲} [Richest 1% bag nearly twice as much wealth as the rest of the world put together over the past two years](#)

در اجلاس داووس نه‌تنها اشاره‌ای به علل فقر و گرسنگی، رشد شکاف طبقاتی، دلایل تخریب محیط زیست و کشتار ناشی از بیماری‌ها و پاندمی‌ها نشد، بلکه تصریح گردید که عاملین این سیه‌روزی — یعنی خودشان — باید متحدتر و با بهره‌برداری بهینه‌تر از امکانات انسانی و تکنیکی برای غارت هرچه بیشتر ثروتی که در دوران پساکروناپی توسط اردوی کار تولید خواهد شد، به میدان بیایند.

سرمایه‌ی جهانی بار دیگر بر جمله‌ی معروف «وارن بافت» صحنه گذاشت که صریحاً اذعان کرده‌بود: «به یقین، ما درگیر یک جنگ طبقاتی هستیم و ثروتمندان طبقه‌ی من این جنگ را شروع کرده‌اند و ما در حال پیروزی هستیم»^{۲۳}

سیاه‌نمایی

کاپیتالیست‌ها و دولت‌مردان‌شان از پاندمی کروناپی نه تنها سود اقتصادی بلکه بهره‌ی سیاسی زیادی بردند.^{۲۴} اما لازم بود که آنها را از چشم توده‌ها بپوشانند و اذهان عمومی را سرگرم مسائل بحث‌برانگیزی کنند که خود قادر به مدیریت‌شان بودند! یکی از این موارد راه‌اندازی یک کمپین گسترده علیه چین — به عنوان مقصر شیوع پاندمی کروناپی — و ادعای دریافت خسارت بود. حتی به‌خاطر داریم که ترامپ و ویروس کرونا را ویروس چینی خواند!^{۲۵}

در جریان رقابت‌های انتخاباتی امریکا، جو بایدن قول داد تا در صورت انتخاب‌شدن، بطور جدی برای یافتن منشأ ویروس کرونا تلاش کند. از آنجا که فرضیه‌ی دولت‌مردان امریکایی بر نشت ویروس از انستیتوی ویروس‌شناسی ووهان چین استوار بود، نهادهای امنیتی امریکا هرگونه تردد در اطراف این آزمایشگاه را به کمک ماهواره شدیداً زیرنظر گرفتند.

^{۲۳} Warren Buffett. این جمله از مطلب دیوید هاروی قرض گرفته شده: [Afterthoughts on Piketty's Capital](#)

^{۲۴} برای آشنایی با این نتایج به نوشتارهای پیشین مراجعه کنید.

^{۲۵} [Trump Defends Using 'Chinese Virus'](#) به نقل از نیویورک تایمز ۱۸ مارس ۲۰۲۱

در ۱۶ ژوئیه و ۵ اوت ۲۰۲۱ خبرگزاری سی. ان. ان گزارش داد که سازمان اطلاعاتی ایالات متحده به گنجینه‌ی عظیمی از داده‌های ژنتیکی که متعلق به انستیتوی ویروس‌شناسی ووهان چین بود دسترسی یافته که می‌تواند پرده از راز منشاء ویروس سارز-کووی-۲ بگشاید.^{۲۶} به دستور جو بایدن قرار شد تا نتایج بررسی‌ها تا آخر سال میلادی ۲۰۲۱ به اطلاع عموم برسد. بعدتر اعلام شد که به دلیل دسترسی محدود به متخصصانی که تسلط لازم به زبان چینی دارند کار بررسی اطلاعات به طول خواهد انجامید و نتایج دیرتر از زمان تعیین شده اعلام خواهد شد. بعد از گذشت یک‌سال، در یک گزارش یک صفحه‌ای تصریح شد که «تیم اطلاعاتی آمریکا فاش می‌کند که شورای اطلاعات ملی و چهار گروه اطلاعاتی به سمت این فرضیه متمایل هستند که کووید-۱۹ از شخصی سرایت کرده که به طور طبیعی توسط یک حیوان آلوده شده بود.»^{۲۷}

به دنبال ادعاهای آمریکا دال بر نشر عمدی یا نشت سهوی ویروس کرونا از آزمایشگاه ویروس‌شناسی ووهان چین، سازمان بهداشت جهانی تیمی متشکل از ۲۵ متخصص برای بازرسی به چین فرستاد. نتیجه‌ی تحقیقات چند هفته‌ای متخصصان نشان داد که دلیلی برای رد یا اثبات ادعاهای یاددشده وجود ندارد.^{۲۸} جالب این‌جاست که در جریان تحقیقات لو رفت که انستیتوی ملی بهداشت ایالات متحده که بزرگترین مؤسسه‌ی علمی آمریکاست، با انستیتوی ویروس‌شناسی ووهان

^{۲۶} N. Bertrand, P. Brown, K. B. Williams and Z. Cohen, [Senior Biden officials finding that Covid lab leak theory as credible as natural origins explanation](#)

K. B. Williams, Z. Cohen and N. Bertrand, [Intel agencies scour reams of genetic data from Wuhan lab in Covid origins hunt](#)

^{۲۷} تلاش برای پیدا کردن منأ ویروس کرونا... به نقل از وی. او. ای (صدای آمریکا)، ۲۵ بهمن ۱۴۰۱

^{۲۸} [draft report of WHO-China study](#) به نقل از سی. بی. سی. ۲۹ مارس ۲۰۲۱

همکاری نزدیک داشته و مطالعه روی سازز-کووی-۲ را مشترکاً به پیش می‌برده است.^{۲۹}

در اواسط ژوئن سال ۲۰۲۲ در نشست‌هایی که از سوی مرکز گیت (GATE Center) در اسپانیا برگزار شده بود، جفری ساکس اظهار داشت:

«این حرف ممکن است برای شما شوکه‌آور باشد... اما من برای دو سال رئیس کمیسیون کووید در نشریه علمی لانست (*The Lancet*) بودم و تقریباً متقاعد شدم که این ویروس از آزمایشگاه‌های بیوتکنولوژی متعلق به ایالات متحده بیرون آمده و نه از طبیعت... البته این را باید واضح بگویم که به‌طور قطع مطمئن نیستیم اما شواهد کافی وجود دارد که باید مورد مطالعه قرار گیرند.»^{۳۰}

به‌عبارت دیگر جفری ساکس مدعی شد که به گمان شخصی او ویروس از آزمایشگاه‌های امریکایی که مشغول مطالعات بیوژنتیکی هستند منشاء گرفته هرچند که دلایل مستدل علمی برای این ادعا وجود ندارد. در همین سخنرانی جفری ساکس متذکر شد که تحقیق بر سر منشاء ویروس کرونا بیش از آن که جنبه‌ی علمی داشته باشد بار سیاسی دارد و از این‌رو امکان آن هست که هرگز افشا نشود.

در ۲۸ فوریه ۲۰۲۳، مدیردفتر تحقیقات فدرال ایالات متحده اعلام کرد که ویروس کرونا به احتمال خیلی زیاد تصادفاً از آزمایشگاه ویروس‌شناسی ووهان به بیرون نشت کرده‌است. پیش از این وزارت انرژی امریکا نیز خبر مشابهی را به نقل از مایکل گوردون،

^{۲۹} این امر اولین بار در ۱۴ آوریل ۲۰۲۰ توسط واشنگتن پست فاش شد. این گزارش افشا کرد که مقامات امریکایی از تحقیقات انستیتوی ویروس‌شناسی ووهان خبر داشتند و حتی از آن دیدار کرده و گزارش آن را برای کاخ سفید نیز ارسال کرده بودند! [What caused the coronavirus?...](#)

^{۳۰} این سخنرانی در یوتیوب در دسترس است.

خبرنگار وال استریت جورنال رسانه‌ای کرده بود. این خبر تاکنون توسط مراجع علمی تأیید نشده است.^{۳۱}

پسا کرونا خطرناک تر از ویروس کرونا

نظم نوینی که کاپیتالیست‌ها و دولت‌های بورژوازی برای جهان پسا کرونایی وعده می‌دهند، برای اردوی کار جهانی به مراتب مرگبارتر از ویروس سارز کووی-۲ خواهد بود. واقعیات آماری سیمای آینده‌ی پیش‌رو را به خوبی نشان می‌دهند:

- از شروع پاندمی کرونا (اواخر ۲۰۱۹) تا پایان ۲۰۲۲، تعداد افرادی که در خطر مرگ ناشی از گرسنگی قرار دارند، از ۱۳۵ میلیون به ۳۴۵ میلیون افزایش یافته است. افزایش تورم، بالا رفتن قیمت انرژی، سوخت، کود و تغییرات آب‌وهوایی که باعث خشکسالی شدید شده، به موازات اوج‌گیری جنگ‌ها و تنش‌های سیاسی این احتمال را تقویت می‌کند که وضع به مراتب بدتر خواهد شد.

- ۵۴ کشور در حال توسعه که ۱۸٪ جمعیت جهان و نیمی از جمعیت گرسنگان دنیا را دربر گرفته‌اند، با بحران شدید بازپرداخت بدهی روبرویند که پیامدهای دلخراشی خواهد داشت.^{۳۲} به گزارش «مؤسسه‌ی بین‌المللی فاینانس»، بدهی شرکت‌های غیرمالی که معادل ۸۸ تریلیون دلار، یعنی حدود ۹۸٪ تولید ناخالص داخلی جهان (global GDP) است، به همراه مجموع بدهی‌های دولت‌ها، شرکت‌ها و خانوارها که معادل ۲۹۰ تریلیون دلار تا سه ماهه‌ی سوم سال ۲۰۲۲ بود، در طول چهار-پنج سال گذشته افزایش خواهد یافت که عوارض و تبعات سنگینی به‌جا خواهد گذاشت^{۳۳} که نمونه‌اش در ایران قابل‌رؤیت است: افزایش روزافزون کسری بودجه‌ی واقعی دولت اسلامی

^{۳۱} [FBI Director: COVID-۱۹ pandemic was caused by 'lab incident' in Wuhan](#) و [Energy Dept. says with 'low confidence' that lab leak may be origin of COVID-۱۹](#)

^{۳۲} [Fifty percent of world's poorest need debt relief...](#)

^{۳۳} Mathew Burrows Robert A. Manning , [The Top Ten Global Risks of](#)

به‌علاوه‌ی بدهی دولت است که عارضه‌اش «مولدسازی» یا به عبارت دقیق‌تر چوب حراج‌زدن به دارایی‌ها و اموال عمومی است.^{۳۴}

البته تعرضات سرمایه به حیات و معیشت اردوی کار بی‌جواب نمانده و با اعتراضات و تظاهرات توده‌ای پاسخ گرفته است. رشد بی‌اعتمادی سیاسی و رادیکالیسم، افول مشروعیت دولت و پاگیری جنبش‌های قهرآمیز و میلیتانت از تبعات و پیامدهای دیگر پاندمی بوده که تقریباً در سراسر جهان جریان دارد. برای مقابله با همین خیزش‌های فزاینده‌ی توده‌ای نیز هست که بازتعریف و تدوین «نظم نوین جهانی» در اجلاس «مجمع جهانی اقتصاد» پیشنهاد شده و ضرورت پیدا کرده است.

جمع‌بندی

- واکنش دولت‌های کاپیتالیستی به پاندمی کرونایی جای شک باقی نگذاشت که اینان نسبت به سایر بحران‌های اجتماعی - به‌ویژه آنهایی که در اجلاس داووس از آنها نام برده شد (جنگ اوکراین، بحران اقلیمی-زیست‌محیطی و بحران گرسنگی) - نیز واکنش مشابهی نشان خواهند داد؛ یعنی به قیمت انقراض دنیا هم که شده، جز به منافع طبقه‌ی خود و حفظ ثروت شخصی‌شان نخواهند اندیشید.

- پاندمی کرونایی به تجربه نشان داد که نهادها و سازمان‌های عریض و طویل جهانی - از جمله سازمان بهداشت جهانی - نه تنها قادر به اعمال نظارت بر کارکردهای دوایر دولتی و خصوصی نیستند بلکه فاقد قدرت اجرایی بوده و عملاً از دخالت در تصمیمات و اقدامات آنان پرهیز می‌کنند. تأکید این سازمان‌ها بر نقش تشویقی، مشورتی و تخصصی‌شان سبب شده تا سرمایه‌ی مالی و تجاری جهانی - از جمله شرکت‌های دارویی - در همدستی با دولت‌های دست‌نشانده‌شان، در صلح و صفا از پاندمی‌ها، اپیدمی‌ها و اندمی‌هایی که بیماری و رنج را برای اردوی کار به ارمغان می‌آورند، گنجی برای خود بسازند! به‌علاوه وابستگی اقتصادی این نهادها به دولت‌های امپریالیستی، مانع از آن می‌شود که خلاف منافع آنان حرفی بزنند یا اقدامی بکنند.

^{۳۴} غلامحسین دوانی، [مولدسازی اسم رمز خصلتی‌سازی](#)

نمونه‌اش را در ماه مه ۲۰۲۰ و اعلام انصراف امریکا از ادامه‌ی عضویت در سازمان بهداشت جهانی دیدیم. استدلال ترامپ این بود که «نمی‌توانم اجازه دهم که دلارهای مالیات‌دهندگان آمریکایی صرف تأمین مالی سازمانی شود که در موقعیت کنونی‌اش آشکارا در خدمت منافع امریکا نیست.»^{۳۵}

- پاندمی کرونایی نشان داد که اکثر دولت‌های بورژوازی اراده، شایستگی و توان کافی برای تأمین بهداشت و سلامت آحاد جامعه را نداشته و ندارند. به‌علاوه معلوم شد که آنان بهتر آموختند که به بهانه‌ی اعلام «وضعیت فوق‌العاده»، دامنه‌ی استثمار را شدت بخشند، بر چرخه‌ی سودزایی بیفزایند، به حقوق دموکراتیک، آزادی‌های فردی و مدنی شهروندان تجاوز کنند و تدابیر امنیتی، سرکوب‌گرانه، تبعیض‌آمیز و غیردموکراتیک را تحت سیاست «شوکرمانی» در جامعه به‌اجرا بگذارند.^{۳۶}

میچل باچله رئیس‌جمهور سوسیالیست سابق شیلی (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰) و کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل (۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲) در اعتراض به این روند اظهار کرد که

۳۵ Amy Maxmen, [What a US exit from the WHO means for COVID-19](#)

and global health, Nature, ۲۹ May ۲۰۲۰ در سال ۲۰۱۹ دولت ایالات متحده امریکا مبلغ ۴۵۰ میلیون دلار به سازمان بهداشت جهانی WHO کمک کرد که تنها یک‌چهارم آن اجباری بود. طبیعتاً پرداخت سه‌چهارم دیگر که حمایتی محسوب می‌شود، بی‌منظور نیست! پاندمی کرونایی نه‌تنها صلاحیت سازمان بهداشت جهانی بلکه ضرورتِ موجودیت آن را نیز زیر سؤال برد؛ تا آنجا که گرگ هانت (Greg Hunt)، وزیر بهداشت استرالیا، اظهار داشت: «علت موفقیت استرالیا در جلوگیری از شیوع ویروس کرونا این بود که کاملاً از رهنمودهای سازمان بهداشت جهانی پیروی نکرد.»

۳۶ برای نمونه به گزارش Freedom House, [Democracy under Lockdown](#) مراجعه کنید. در این گزارش که در سال ۲۰۲۰ تهیه شده از جمله آمده: از شروع پاندمی وضع دموکراسی و حقوق بشر در ۸۰ کشور بدتر شده است... مقامات امنیتی در ۵۹ کشور علیه شهروندان دست به خشونت زدند... در حداقل ۹۱ کشور محدودیت‌هایی علیه رسانه‌های خبری مستقل وضع شده... خبرنگاران دستگیر شده و مورد اذیت و آزار و شکنجه قرار گرفته‌اند... در ۷۲ کشور محدودیت‌هایی علیه آزادی بیان وضع شده است...

برای نمونه می‌شود از پارلمان مجارستان نام برد که به بهانه‌ی ارتقای توانمندی نخست‌وزیر برای مقابله با پاندمی، اختیاراتی را بدون قید محدودیت زمانی به ویکتور اوربان اعطا کرد که قدرت سیاسی او را تا حد یک دیکتاتور ارتقا داد!

محدودیت‌های دولتی — در صورت لزوم — باید با رعایت حقوق انسانی، شهروندی و دموکراتیک، آن هم به‌طور موقت و برای یک محدوده‌ی زمانی معین تعیین شوند و اصل شفافیت و پاسخ‌گویی به نهادهای مردمی در همه‌حال مراعات گردند.^{۳۷} این درسی است که از دوره‌ی پاندمی کرونایی آموختیم. بهره‌گیری از این تجربه می‌تواند کمک کند تا قربانی «دکترین شوک» در بحران‌های آتی نشویم.^{۳۸}

— کاهش فعالیت‌های صنعتی، توقف پروازها، حمل‌ونقل و ترافیک جاده‌ها و سقوط چشمگیر غلظت دی‌اکسیدکربن و زباله‌های صنعتی در دوره‌ی پاندمی کرونایی، مستندات کافی در اختیارمان قرارداد تا بر ضرورت بهبود شرایط اقلیمی و زیست‌محیطی تأکید و اصرار بیشتری بورزیم.^{۳۹}

— بازتعریف «نظم نوین جهانی»، «جهانی‌سازی» و «روابط بین‌المللی» و صف‌آرایی‌های جدید سیاسی برای دوره‌ی پساکرونایی در اجلاس داووس، این واقعیت را آشکار کرد که پاندمی کرونایی ابدأً به حوزه‌ی بهداشت، درمان و سلامت عمومی محدود نمی‌شود و عمیقاً اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است.

— داده‌های آماری گویای این واقعیت هستند که دوره‌ی به‌اصطلاح پساکرونایی با رشد منفی درآمد سرانه در ۱۷۰ کشور همراه خواهد بود که پیامد آن رشد فقر،

[Human rights 'battered' by pandemic.](#)^{۳۷} Michelle Bachelet

^{۳۸} در نوشتار پیشین به توضیح این سیاست پرداختیم. به‌طور خلاصه می‌شود گفت که این سیاست در پنج دهه‌ی اخیر توسط دولت‌های بورژوازی در جریان حوادث طبیعی (مثل سونامی)، رکودهای اقتصادی (مثل بحاب مسکن ۲۰۰۲) و رخدادهای سیاسی (مثل ۱۱ سپتامبر) مورد بهره‌برداری قرار گرفته تا روند انباشت سرمایه و پایه‌های قدرت سیاسی بورژوازی قوی‌تر شوند.

^{۳۹} برای مثال گروهی از پژوهشگران در مقاله‌ای که در مجله‌ی نیچر منتشر نمودند، خاطرنشان کردند که در طی اولین سال پاندمی، سطح دی‌اکسیدکربن ۲۰٪ کاهش داشته و این افت از زمان جنگ جهانی دوم بی‌سابقه بوده است: [Global patterns of daily CO₂ emissions reductions in the first year of COVID-19](#) در مقاله‌ی دیگری نتیجه‌ی کاهش دی‌اکسیدکربن در بهداشت و سلامت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد که در همان اولین سال پاندمی، کاهش آلودگی هوا مانع از مرگ حدود ۷۷ هزار نفر در چین شده‌است: [coronavirus lockdown likely saved ۷۷,۰۰۰ lives in China just by reducing pollution](#)

گرسنگی و نرخ بیکاری، تعمیق نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی، کاهش رفاه عمومی، تسریع خصوصی‌سازی‌ها، رشد فاشیسم، نازیسم و گرایش‌های راست افراطی،^{۴۰} استقرار دولت پلیسی، توسعه‌ی نظامی‌گری (میلیتاریسم) و اوج‌گیری جنگ، آوارگی و... خواهد بود.^{۴۱}

به این معنی نظم نوینی که کاپیتالیست‌ها و دولت‌های بورژوازی برای جهان پساکروناپی وعده می‌دهند، برای اردوی کار جهانی به‌مراتب مرگبارتر از خود ویروس کرونا خواهد بود؛ به‌ویژه این‌که جنگ اوکراین و تنش‌های سیاسی پیامد آن بر عمق و ابعاد فاجعه افزوده است.

- تمرکز ویژه‌ی «مجمع جهانی اقتصاد» بر جنگ اوکراین و اولویت دادن آن بر پاندمی کرونا، ما را نیز برآن می‌دارد تا ارزیابی خود را در سایه‌ی بحران ناشی از جنگ اوکراین پیش‌ببریم:

پاندمی کرونایی اگرچه در رودرویی با صفوف اردوی کار، بورژوازی جهانی را یکپارچه‌تر و هارتر کرد و نزاع کار-سرمایه را تعمیق بخشید، اما وقوع جنگ اوکراین، عرصه را برای رقابت کاپیتالیست‌ها بر سر تصاحب بازارهای جدید، کنترل بر منابع مواد خام، استثمار نیروی کار ارزان و خلاصه انباشت سرمایه هموارتر کرد. انتظار می‌رود که شدت‌گیری و عمق‌یابی این رقابت‌ها، ثبات و یک‌پارچگی لازم برای اجرای مفاد «نظم

^{۴۰} عروج فزاینده‌ی جنبش‌های راست افراطی و فاشیستی در جهان ثروتمند یک واقعیت غیرقابل انکار است. به‌قدرت رسیدن حزب راست‌گرای «برادران ایتالیایی» که وارثان موسولینی هستند و انتخاب جورجیا ملونی به نخست‌وزیری (۲۲ اکتبر ۲۰۲۲)، به‌دست آوردن ۴۵ درصد آرا در دور دوم انتخابات ماه مارس فرانسه توسط مارین لوپن، رشد محبوبیت احزاب راست‌گرای افراطی - از جمله حزب «دموکرات‌های سوئد» و حضور این‌گونه گرایش‌ها در پارلمان‌ها و نهادهای قدرت، ماحصل اجتناب‌ناپذیر شرایط یادشده است.

^{۴۱} برای روشن‌تر شدن این موضوعات خواندن مقالات زیر پیشنهاد می‌شوند: [بحران انباشت و دولت پلیسی جهانی](#)، نوشته ویلیام رابینسون، ترجمه نازنین و یامین. [شورش جهانی ضدحکومتی: هرج و مرج بعدی؟](#)، نوشته ویلیام رابینسون، ترجمه نازنین و یامین. [سرمایه داری جهانی: بحران بشریت فاشیسم قرن بیست‌ویکم](#)، نوشته ویلیام رابینسون، ترجمه رامین جوان

نوین جهانی» را متزلزل کند و فرصت لازم برای سازمان‌دهی را در اختیار اردوی کار بگذارد. پیروزی یا شکست در کارزار پیش رو، در گرو تغییر توازن قوای طبقاتی است.